

«زن و مطالعات خانواده»

سال هفتم - شماره بیست و ششم - زمستان 1393

ص ص 40-23

تاریخ دریافت: 93/03/04

تاریخ پذیرش: 93/05/25

مقایسه سیستم‌های فعال سازی/بازداری رفتاری دختران فراری با دختران غیرفراری

دکتر منصور بیرامی¹

معصومه عبادی آسایش²

محمد مهدی میرلو³

چکیده

پدیده فرار دختران از منزل که در طی سال‌های اخیر در جامعه رو به فزونی نهاده از مقوله‌های آسیب اجتماعی است که مهار آن به مدیریت قوی اجتماعی نیازمند است. ولی در کنار این عامل ویژگی‌های شخصیتی و انگیزه فردی نیز در ایجاد این معضل نقش بسیار مهمی دارد. این مطالعه از نوع پس روپدادی می باشد. بدین منظور 120 آزمودنی (60 نفر دختر فراری و 60 نفر دختر غیرفراری) انتخاب شدند. این دختران فراری 30-11 سال داشتند که در دوره زمانی 1391-1390 توسط نیروی انتظامی دستگیر و به مرکز اورژانس اجتماعی شهر تبریز تحویل داده شده بودند. دختران غیرفراری بر اساس سن، میزان تحصیلات، طبقه اقتصادی با دختران فراری همتا شدند. در این مطالعه از مقیاس سیستم‌های بازداری/فعال‌سازی رفتاری کارور و وایت استفاده شد. نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق نشان داد که تفاوت دو گروه دختران فراری و دختران غیرفراری در سیستم فعال سازی و سیستم بازداری رفتاری با یکدیگر متفاوت بوده و هر دو سیستم در دختران فراری فعال‌تر است. تفاوت بین سیستم‌های فعال سازی/بازداری رفتاری دختران فراری و دختران غیرفراری معنادار می باشد. چالش‌های نظری و پژوهشی در پی بردن به عوامل شخصیتی دختران فراری دریچه‌ای نوین به سوی پرسش‌هایی است که دهه‌ها ذهن پژوهشگران را به خود معطوف داشته است تا به بررسی عوامل شخصیتی دخیل در فرار دختران از منزل بپردازد.

واژه‌های کلیدی: سیستم بازداری رفتاری، سیستم فعال‌سازی رفتاری، دختران فراری

¹ -دکترای تخصصی روانشناسی، استاد، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، dr.bayrami@yahoo.com

² -کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه تبریز، m_e_asayesh@yahoo.com

³ - کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه تبریز، mmmirloo@gmail.com

مقدمه

پدیده فرار¹ از خانه از جمله مباحث حساس و پیچیده در حوزه آسیب های اجتماعی به شمار می آید. فرار نوعی رفتار سازش نایافته است که در فرایند آن، کودک یا نوجوان به منظور رهایی از مشکلات موجود در خانه یا به خاطر جاذبه های بیرون از خانه، بدون اجازه والدین یا سرپرست قانونی خود، آگاهانه خانه را ترک می کند و سریعاً و بدون واسطه به خانه بر نمی گردد (رسولزاده طباطبایی، بشارت، بازیابی، 1384). به صورت تفرقی، فرار به معنی دور شدن از منزل به مدت 24 ساعت یا بیشتر بدون اطلاع والدین یا برخلاف میل آن ها است (دی من²، 2000). هر چند پدیده ی فرار از خانه به ظاهر اقدامی فردی است، اما پیامدهای آن در سطح گسترده ای نمایان می شود. این افراد در جستجوی هویت یا در اثر مواجه شدن با مشکلات خانوادگی، محیطی و شخصی برای مدتی کوتاه، مقطعی یا دائمی از خانه می گریزند (کانر³، 2001) و در اندک مدتی در معرض دزدی، اختلالات رفتاری (اشتینبرگ⁴، 2002)، روسپی گری، رفتارهای جنایی، ایدز، سایر عفونت های مقاربتی مسری، استفاده از مواد مخدر و خرید و فروش این مواد قرار می گیرند (معظمی گودرزی، 1380).

مطابق آمارهای ارائه شده، سالانه تقریباً 2 درصد کودکان 12 تا 18 ساله از خانه فرار می کنند و 1 نفر از هر 7 نفر آنها هرگز به خانه باز نمی گردد (پریداس⁵ و کاس⁶، 2002). براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی (به نقل از زرگر، مرادی، ایمانی، 1387)، 74 درصد کودکان و نوجوانان فراری را دختران تشکیل می دهند. در سال های اخیر توجه به پدیده دختران فراری از اهمیت بیشتری برخوردار شده است، زیرا بسیاری از این دختران در ساعات و روزهای اولیه پس از فرار از خانه مورد سوء استفاده جسمی و جنسی قرار می گیرند و همین امر موجب می شود که آخرین امیدها برای بازگشت به خانه را از دست بدهند (کرمانی و رجبزاده، 2011). بررسی ها نشان می دهند که دختران نوجوان در مقایسه با پسران نوجوان بیشتر احتمال دارد که پیش از 14 سالگی خانه را ترک کنند و

¹- runaway

²- De Man

³- Conner

⁴- Steinberg

⁵- Paradise

⁶- Cauce

از سوی دیگر، سوء استفاده جنسی و جسمی در دختران فراری در روزهای اولیه فرار و به صورت متناوب رخ می‌دهد (دیل‌ورث¹، 2006).

فرار دختران از منزل یک پدیده چند علیتی است که ریشه‌های آن را می‌توان در فقر اقتصادی، از هم‌پاشیدگی خانواده، طلاق یا جدایی‌های عاطفی والدین، وجود ناپدری و نامادری، اعتیاد، تعرض جنسی توسط نزدیکان، مشکل انضباطی و اخلاقی در خانواده، ازدواج‌های تحمیلی، ایجاد شکاف بین نسل‌ها (رسول‌زاده طباطبایی و همکاران، 1384) اختلاف فرزندان و والدین (قلی‌زاده و نادى، 1382) احساس پوچی و آشفتگی روانی جستجو کرد (ابوالفتحی و همکاران، 1385). این مساله در تحقیقات پژوهشگران بسیاری از جمله ساهین، تیمور و ارگین² (2010)؛ استفان، چرز و جکسون³ (2004)؛ مانلی، کیم، روگوسچو کیکچتی⁴ (2002)؛ برلینر و الیوت⁵ (2002) و بروین، اندرز و والتین⁶ (2000) مورد بررسی و تایید قرار گرفته است. آنها معتقدند که فرار نوجوان به چندین مساله وابسته بوده که می‌تواند این گروه را ابتدا بزه دیده و متعاقباً از ایشان افراد بزه‌کار بسازد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد میزان عوامل تنیدگی‌زا در دختران فراری در سطح بالاتری نسبت به دختران عادی است و این افراد از منابع حمایتی کمتری برخوردار بوده و در مقابل رویدادهای فشارزا آسیب‌پذیرترند (معظمی، 1380).

در کنار عوامل اجتماعی و اقتصادی که در پدیده فرار دختران از منزل نقش دارند، ویژگی‌های شخصیتی و انگیزه فردی نیز در ایجاد این معضل نقش مهمی ایفا می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد که این افراد در مقایسه با افراد عادی ریسک‌پذیری و تلقین-پذیری بالایی دارند و ویژگی‌های شخصیتی خاصی مانند خودپنداره منفی، احساس حقارت، روان‌آزردگی، اختلال عدم توجه و اضطراب در اکثر آنها وجود دارد. در واقع، مواجه شدن دختران فراری با مشکلات بیشتر مبتنی بر شیوه‌های ناکارآمد هیجان‌مدار است. به همین دلیل حساسیت هیجانی و اضطراب از ویژگی‌های بارز شخصیتی این افراد به شمار می‌آید (قلی‌زاده، بخشی‌پور، باباپور، 1386).

¹- Dilworth

²- Sahin, Timor & Ergin

³- Stephan, Chirs & Jackson

⁴- Manly, Kim, Rogosch & Cicchetti

⁵- Berliner & Elliot

⁶- Bervin, Andrews & Valentine

شخصیت به عنوان عاملی تعیین کننده می تواند تمامی رفتارهای انسان را در عرصه ی زندگی شخصی و اجتماعی تحت تاثیر قرار داده و (گاهی در اثر صفات و ویژگی های ناسازگارانه) فرد و اطرافیان وی را با مشکل جدی مواجه کند. عوامل شخصیتی جز مهم ترین ویژگی هایی است که اهمیت کار بر روی آنها ملموس است (شولتز¹، 1990). مطالعات نشان می دهد برخی صفات شخصیتی می تواند سهم بسزایی در الگوی رفتار فرار از منزل داشته باشد.

نظریه گری² (1970) نیز از جمله نظریه های مطرح و بسیار برجسته می باشد که زمینه ساز تحقیقات گسترده ای در مورد رفتارهای پرخطر است (گنادیج³ و نیازو⁴، 2004). در دهه های اخیر تحقیقات در زمینه های مختلف روانشناسی، وجود دو سیستم جداگانه را که رفتارهای انسان را شکل می دهد مطرح کرده است (کارور⁵، 2006؛ فاووز⁶، 1994؛ دوپسون⁷، 1992). از مصادیق این رویکردهای دو سیستمی، تئوری حساسیت به تقویت گری (1993) می باشد. این تئوری وجود 2 سیستم فعال کننده رفتاری (BAS⁸) و بازدارنده رفتاری (BIS⁹) را مطرح می نماید (دانیل¹⁰، جیمز¹¹، کورت¹²، جیسون¹³، پرادیپ¹⁴، مایکل¹⁵، 2009). تئوری گری، تئوری زیست محور است که بیان می کند تفاوت های شخصیتی افراد ریشه در تفاوت سیستم پاداش افراد دارد. سیستم بازداری رفتاری به نشانه های تنبیه حساس می باشد و به عنوان عاملی برای هشدار به فرد برای توجه به احتمال خطر و تنبیه عمل می کند. سیستم فعال ساز رفتاری که به نشانه های

¹- Schultz

²-Gray, J.A.

³-Gennagij

⁴-Knyazev

⁵-Carver

⁶-Fowles

⁷-Davidson

⁸-Behavioral Approach System (BAS)

⁹-Behavioral Inhibition System (BIS)

¹⁰-Danielle

¹¹-James

¹²-Kurt

¹³-Jason

¹⁴-Pradeep

¹⁵-Michael

پاداش حساس می باشد فرد را به سمت رفتار سوق می دهد (پیکرینگ¹ و گری، 2001). اسلوباداسکازیا²، سافرونوا³، کنیزف⁴ و ویلسون⁵ (2001) در روسیه نشان دادند که عامل فعال سازی رفتاری، همبستگی مثبت با اختلال سلوک و بیش فعالی و رابطه منفی با رفتارهای اجتماعی معین و مشکلات ارتباطی با همسالان در دختران دارد. در عین حال بازداری رفتاری با مشکلات هیجانی و اضطرابی در پسران رابطه مثبت دارد ولی با رفتارهای اجتماعی معین رابطه منفی دارد.

پدیده فرار- همان طور که اشاره شد - یک معلول چند علتی است که شرایط اقتصادی و اجتماعی نامناسب از یک طرف و ویژگی های شخصیتی فرد از طرف دیگر در بروز آن تاثیرگذار است. پدیده فرار در سال های اخیر در کشور ما مخصوصا در شهرهای بزرگ و صنعتی رو به فزونی گذاشته است. آمارهای ارائه شده از سوی مسؤولین، معرف این واقعیت تلخ است که روزانه در تهران دختران زیادی از منزل فرار کرده، به خیابان ها پناه می آورند. تحقیقات انجام شده در این زمینه بیش تر با نگرش جامعه شناختی بوده و لذا در این تحقیق سعی شده با یک نگاه دیگر، مخصوصا از زاویه و دیدگاه روان شناختی به پدیده فرار دختران نگریسته شود و با تحلیل های دانش روان شناختی، اقدامات عملی در جهت کاهش این پدیده پیشنهاد گردد. اگرچه تاکنون پژوهش هایی که به بررسی ویژگی های شخصیتی دختران فراری پردازد انگشت شمارند اما مطالعات چندی به شناخت این آسیب و علل پیدایش آن توجه نموده اند.

در ایران، شمار نوجوانان فراری به ویژه دختران فراری به گونه ای نگران کننده در حال افزایش است. آمارها نشان می دهند که شمار دختران فراری در سال 1378 در مقایسه با سال 1365، 20 برابر شده است (صمدی راد، 1381).

با توجه به این که ترقی و تنزل هر جامعه تا حدود زیادی در گرو تربیت نسل جوان آن جامعه است، لذا پژوهش حاضر در پی آن است تا علل یکی از معضلات بسیار رایج و رو به افزایش فرار از منزل که به عنوان یک عامل مهم در گسترش آسیب اجتماعی، ارکان جامعه را تهدید می کند شناسایی نماید تا بدین وسیله بتوان با برنامه ریزی هایی در جهت کاهش این معضل گام برداشت. بر اساس مبانی نظری، پیشینه پژوهشی، شیوع

¹ -Pickering

² -Slobodskaya

³ -Safronova

⁴ -Knyazev

⁵ -Wilson

و آمار بالای پدیده دختران فراری و سبب شناسی ذکر شده، مساله اصلی پژوهش این است که آیا سیستم های مغزی- رفتاری دختران فراری به عنوان یکی از عوامل مداخله گر در پیدایی این آسیب نقش مؤثر و با معنی دارد و تحقیق حاضر برای بررسی آن، سیستم های فعال ساز/ بازدارنده رفتاری دختران فراری با غیر فراری را مقایسه می کند. روش جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری: طرح پژوهش علی- مقایسه ای است و در این راستا، 60 دختر فراری که از فروردین سال 1390 تا اسفند سال 1390 از طریق نیروی انتظامی به مرکز اورژانس اجتماعی شهر تبریز ارجاع داده شده بودند، به صورت در دسترس انتخاب گردیدند و به شرط داشتن دامنه سنی 11 تا 30 با هوش طبیعی و عدم وجود اختلال سایکوتیک مورد آزمون قرار گرفتند. به منظور دستیابی به گروه کنترل، 60 نفر که از نظر محدوده سنی و سطح تحصیلات با گروه مذکور همخوان بوده و از بین خانواده های مراجعه کننده به مرکز اورژانس اجتماعی شهر تبریز که قصد ملاقات دختران فراری را داشتند، انتخاب و به عنوان گروه کنترل در کاربندی پژوهش وارد شدند.

ابزار و روش

مقیاس سیستم های بازدارنده/ فعال سازی رفتاری (کارور¹ و وایت²، 1994): این پرسشنامه توسط کارور و وایت (1994) تهیه شده است که یک مقیاس خودگزارشی جهت ارزیابی حساسیت سرشتی تحت عنوان سیستم های بازدارنده رفتاری و سیستم فعال ساز رفتاری است. این مقیاس شامل 24 پرسش است که زیر مقیاس BIS در این پرسشنامه شامل 7 آیتم می باشد و به واکنش هایی اشاره دارد که در قبال پیش بینی تنبیه روی می دهد. مقیاس BAS حاوی 13 آیتم می باشد که حساسیت سیستم فعال ساز رفتار را اندازه گیری می کند. 4 آیتم نیز شامل سوالات انحرافی است و به عنوان آیتم های پوشش در مقیاس آورده شده اند و نقشی در ارزیابی BIS/BAS ندارند. به گزارش کارور و وایت ثبات درونی زیرمقیاس BIS، 0/74 و ثبات درونی BAS، 0/71 می باشد. عبداللهی مجارشین اعتبار به روش بازآزمایی را برای مقیاس BAS، 0/78 و برای زیرمقیاس BIS، 0/81 گزارش کرده است (عبداللهی مجارشین، 1385).

¹ -Carver

² -White

یافته‌ها

با توجه به نوع مطالعه (علی - مقایسه‌ای) و ماهیت فرضیه‌های پژوهش، جهت تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش می‌باشد، از روش آماری تحلیل واریانس تک متغیره استفاده شده است.

بررسی داده‌های جمعیت شناختی نشان می‌دهد که دامنه سنی دختران فراری و غیرفراری بین 30-11 سال است که در این دامنه سنی، 15 سالگی بیشترین درصد (40) را دارد. در واقع سنین 18-15 سال بیش از 55 درصد گروه نمونه را تشکیل می‌دهد. چون دختران بهنجار از لحاظ سن با دختران فراری هم‌تا سازی شده‌اند لذا تفاوتی بین 2 گروه از لحاظ سن وجود ندارد.

تحصیلات: هم در گروه دختران فراری و هم در گروه دختران سالم، 3/3 درصد بی‌سواد، 26/7 درصد ابتدایی، 43/3 درصد راهنمایی، 13/3 درصد متوسطه، 6/7 درصد دیپلمو 6/7 درصد فوق دیپلم هستند که بیشترین به سطح راهنمایی تعلق دارد.

جدول شماره 1 فراوانی و درصد گروه دختران فراری و غیرفراری، گروه فرار با برنامه‌ریزی قبلی و بدون برنامه‌ریزی قبلی، گروه آسیب‌دیده و آسیب‌ندیده از بین 60 دختر فراری مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول شماره 1: جدول فراوانی دختران فراری با برنامه‌ریزی قبلی، آسیب بعد از فرار و مدت

زمان دوری از منزل

فراوانی	
28 (46,7%)	فرار با برنامه‌ریزی قبلی
32	فرار بدون برنامه‌ریزی قبلی
دختران فراری آسیب‌دیده	
32 (53,3%)	دختران فراری آسیب‌دیده
28	دختران فراری آسیب‌ندیده
مدت زمان دوری از منزل	
82 (13,3%)	7 روز و کمتر
22 (36,7%)	8 روز تا یک ماه
18 (30%)	2 تا 6 ماه
12 (20%)	6 ماه تا یکسال

در جدول 2 آماره‌های توصیفی برای گروه‌های مورد مطالعه نشان داده شده است.

جدول 2: جدول توصیفی برای گروه دختران فراری و غیر فراری

انحراف معیار	میانگین	گروه	
2,439	21,53	دختران فراری	BIS
3,431	19,57	دختران غیر فراری	
4,338	44,38	دختران فراری	BAS
5,092	36,37	دختران غیر فراری	

مقایسه میانگین‌ها نمایان‌گر آن است که بین ویژگی‌های شخصیتی در گروه دختران فراری و غیر فراری تفاوت وجود دارد. نتایج تحلیل واریانس تک‌متغیری برای گروه‌های مورد مطالعه در جدول 3 مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول 3: نتایج تحلیل واریانس تک‌متغیری برای گروه دختران فراری و سالم

اتا	سطح معنی‌داری	F	گروه	
0,100	0,001	13,094	دختران فراری دختران عادی	BIS
0,422	0,001	86,172	دختران فراری دختران عادی	BAS

جدول 3 نشان می‌دهد که تفاوت میزان BIS در گروه دختران فراری و غیر فراری معنی‌دار است ($P=0/001$)؛ با توجه به میانگین دو گروه می‌توان نتیجه گرفت که این مقدار در گروه دختران فراری بیشتر است، به این معنا که سیستم بازدارنده رفتاری (BIS) در گروه دختران فراری فعال‌تر است. تفاوت میزان BAS نیز به نفع دختران فراری معنی‌دار است ($P=0/001$)؛ بنابراین سیستم فعال‌ساز رفتاری (BAS) نیز در گروه دختران فراری فعال‌تر است.

بحث و نتیجه گیری

پدیده فرار از خانه به عنوان مسأله جهان شمول از عمده ترین مقولاتی است که توسط روان شناسان، جامعه شناسان، درمانگران، روان پزشکان و مربیان تربیتی مورد

توجه قرار گرفته است (جامیسون¹، 2003، وزیر، لطفی کاشانی، 1390). یکی از مشخصه‌های نوجوانی تغییرات سریع و فراگیر، تقریباً در تمام ابعاد زندگی است که احتمالاً به فشار روانی بسیار زیادی منجر می‌شود. یک نوجوان مانند یک بزرگسال تجربه کافی برای رویارویی با احساسات ناشی از فشارهای روانی را ندارد به همین علت فرار را به عنوان رهایی از این شرایط فشارزا قلمداد می‌کند. فرار به عنوان یک نشانه در درون مجموعه وسیعی از اختلالات سلوکی و رفتارهای ضداجتماعی رخ می‌دهد و به همین دلیل نمی‌توان عنصر روان‌شناختی این پدیده را نادیده گرفت.

فعال سازی، بازداری رفتاری از متغیرهایی است که اخیراً در رابطه با رفتارهای آسیب‌زا مورد بررسی قرار گرفته است. گری (2000) توضیح می‌دهد که چگونه صفات شخصیتی مرتبط با مغز افراد را مستعد اختلالات روان‌شناختی می‌کند. به نظر می‌رسد حساسیت متفاوت سیستم‌های مغزی رفتاری در افراد مختلف آسیب‌پذیری آنها را برای تجربه حالات مختلف روان‌شناختی تحت تاثیر قرار می‌دهد.

هدف اصلی پژوهش حاضر، مقایسه سیستم‌های فعال سازی/بازداری رفتاری در دختران فراری و دختران بهنجار بود. نتایج این پژوهش نشان داد که بین ویژگی‌های شخصیتی در دو گروه دختران فراری و غیرفراری تفاوت وجود دارد که همسو با تحقیقات پیشین است (وزیری، لطفی کاشانی، 1390؛ احدی، لطفی کاشانی، 1386؛ معظمی، 1380؛ رسول‌زاده طباطبایی، 1384). افراد با حساسیت BAS بالا از نظر رفتاری به نشانه‌های پاداشی واکنش نشان می‌دهند. در موارد بسیار شدید حساسیت BAS بالا رفته، ممکن است فرد دارای شخصیت ضداجتماعی باشد (کارور و وایت، 1994) که با رفتارهای ضد اجتماعی دختران فراری و با حساسیت بالای BAS آنها همسو است. حساسیت بین فردی بالا، سطح اضطراب بالا، تفکر بدبینانه، اختلال شخصیت مرزی، پرخاشگری از جمله تفاوت‌های دختران فراری با دختران غیرفراری است که در تحقیقات قبلی نشان داده شده است (زادپرور، 1372، سعیدی، 1373، بهبودی، 1378، گرینوالد، 1975، لوئیس 1991، روزنتال و همکاران، 2006). چنین تفاوتی در گروه فرار با برنامه‌ریزی قبلی و فرار بدون برنامه‌ریزی قبلی و همچنین بین گروه دختران فراری آسیب‌دیده و دختران فراری آسیب‌ندیده نیز مشاهده شد.

¹.Jamison

در تبیین نتایج این پژوهش با استفاده از نظریه حساسیت به تقویت گری می توان گفت سیستم فعال سازی رفتاری با زود انگیختگی و سیستم بازداری رفتاری با اضطراب مرتبط است (کر، 2004). لذا بر اساس زیر بناهای نظری می توان گفت افراد دارای نظام بازداری رفتاری مسلط به تنبیه حساسیت دارند و این حساسیت آنها را مستعد گرایش های هیجانی نامساعد نظیر اضطراب و افسردگی می کند. سیستم بازداری با تجربیات هیجانی منفی یا عاطفه منفی رابطه دارد.

رسول زاده طباطبایی و همکاران (1384) در پژوهشی در مورد بررسی مقایسه ای ویژگیهای شخصیتی، شرایط اجتماعی و اقتصادی دختران فراری و دختران غیر فراری نشان دادند نیمرخ شخصیتی دختران فراری متفاوت از دختران غیرفراری نیست اما این فرضیه که شرایط اجتماعی و اقتصادی دختران فراری متفاوت از دختران غیرفراری است تایید شد. حسن احدی و همکاران (1386) در پژوهش خود درباره ویژگیهای شخصیتی دختران فراری و عادی نشان دادند که دختران فراری در ابعاد هیپوکندریا، مشکلات بین فردی، اضطراب، ناچیزانگاری خود و انحراف، با دختران عادی متفاوت است. در دیدگاه گری افرادی که نظام بازداری آنها از حساسیت برخوردار است در مقایسه با کسانی که حساسیت بازداری کمتری دارند، اضطراب بیشتری را تجربه می کنند و این امر به دلیل آن است که آن ها به علائم و نشانه های تنبیه پاسخ می دهند.

در سال های اخیر پژوهش های بسیاری از جمله مک وی و همکاران¹ (2011)، روزنتال و همکاران² (2006)، بروسان و همکاران³ (2011)، ملیندا و همکاران⁴ (2010)، ریبیری⁵ (2008)، کالینن⁶ (2011)، لویس⁷ (1991)، شرمین و همکاران⁸ (2005)، هاندت و همکاران⁹ (2007) رابطه بین ویژگی های شخصیتی (نظیر افسردگی، اضطراب، افکار پارانویید، پرخاشگری) و فرار از منزل را تأیید نموده اند.

¹-McEvoy

²-Rozenal

³-Brosan

⁴-Melinda

⁵-Ribberi

⁶-Kalnin

⁷-Looise

⁸-Sherman

⁹-Hundt

فاطمه زرگر و همکاران (1387) در پژوهشی پیرامون مقایسه ویژگی‌های شخصیتی زنان و دختران فراری و عادی در شهر اصفهان به این نتیجه رسیدند که دختران فراری و عادی در مقیاس‌های حساسیت بین فردی افسردگی، اضطراب، تفکر پارانوئید، روان پریشی و نمره کلی در پرسشنامه SCL-90-R با یکدیگر تفاوت معناداری داشتند. قلی زاده و همکاران (1388) در تحقیقی در مورد بررسی عوامل شخصیتی، محیطی و سبک حل مسأله مؤثر بر فرار دختران از منزل به این نتیجه رسیدند که دختران فراری و عادی از نظر سبک حل مسأله و ابعاد شخصیت، با یکدیگر متفاوتند و بین شخصیت و سبک حل مسأله دختران فراری رابطه وجود دارد.

رابینسون (1998) در مقاله‌ای تحت عنوان تفاوت‌های جنسیتی در فعالیت مغز با آزمون‌های تجربی در پی یافتن این تفاوت‌ها نظریه برانگیختگی را تست نمود. این نظریه عنوان می‌کند که زنان نسبت به مردان دارای سطوح بالاتری از برانگیختگی مغزی و رفتاری BAS هستند.

با مقایسه دختران فراری و عادی در تفاوت میزان BIS و BAS می‌توان چنین نتیجه گرفت که این دو مقدار در گروه دختران فراری در مقایسه با دختران غیر فراری بیشتر است. به عبارت دیگر، هم سیستم فعال‌سازی رفتاری و هم سیستم بازداری رفتاری در دختران فراری فعال‌تر است. این یافته با اغلب یافته‌های قبلی (برای مثال رابینسون، 1998 و وزیری و لطفی کاشانی، 1390) مطابقت دارد.

در بررسی مقایسه میان گروه دختران فراری آسیب‌دیده و دختران فراری آسیب‌نندیده از نظر میزان BIS تفاوت معنادار بود که نشان می‌داد سیستم فعال‌ساز رفتاری (BAS) در گروه دختران فراری آسیب‌نندیده فعال‌تر است، اما تفاوت این مقدار در BAS معنی‌دار نبود.

هر چند تحقیق مشابهی پیش از این درباره سیستم فعال‌ساز رفتاری و سیستم بازداری رفتاری دختران فراری انجام نشده است، اما نمرات کلی آزمودنی‌های این پژوهش در مقایسه با گروه کنترل نشان می‌دهد که دختران فراری وضعیت روان‌شناختی مطلوبی ندارند و این یافته با یافته‌های صوفی (1374)، حسینیان و همکاران (1384) و زرگر و همکاران (1387) همسواست که سلامت روانی پایین در دختران فراری رایج‌آوری می‌کنند. همچنین، سطح اضطراب بالا در دختران فراری که با BIS بالا مرتبط است، در

پژوهش‌های پیشین نیز نشان داده شده است (گرینوالد¹، 1975؛ لويس²، 1991؛ فارو³ و همکاران، 1992، روزنتال⁴ و همکاران، 2006؛ زرگر و همکاران، 1387).

نتیجه نهایی این که بین BAS و BIS دختران فراری و غیر فراری در اغلب موارد تفاوت وجود دارد و این تفاوت به نفع گروه دختران فراری است که بستر را برای فرار از منزل آنان فراهم می‌کند. به اغلب متولیان و سازمان‌های درگیر با پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، بویژه مراکز بهداشتی - درمانی و مراکز بهزیستی توصیه می‌شود که با لحاظ سیستم‌های فعال سازی/ بازداري رفتاری قبل از هر گونه اقدامی، دختران مستعد به فرار را تشخیص داده و اقدامات پیشگیرانه را انجام دهند.

¹ -Greenwald

² -Lewis

³ -Farrow

⁴ -Rosenthal

منابع:

- ابوالفتحی، یدالله؛ عابدی، حیدرعلی؛ توکلی، خسرو و نصیری، محمودی (1385)، تعیین سطوح پیشگیری در پدیده فرار از منزل. مقاله ارائه شده در دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده، تهران.
- احدی، ح.، لطفی کاشانی، ف (1386)، ویژگی‌های دختران فراری و عادی. روان-شناسی کاربردی، 4(1)، 14-22.
- برزگر، ص (1382)، فرار دختران. قم: نشر جمال.
- بهبودی، م (1378)، مقایسه سبک اسناد علی زنان ویژه بازداشت شده با زنان عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- حسینیان، س.، زهرایی، ش.، خدابخشیکولایی، آ (1384)، مقایسه و ارتباط عملکرد خانواده و سلامت روانی جوانان فراری از خانه با نوجوانان عادی. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره (16): 25-46.
- رسول‌زاده طباطبایی، ک.، بشارت م. ع.، بازیاری م (1384)، بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیتی، شرایط اجتماعی و اقتصادی دختران فراری و دختران غیرفراری. دانشور رفتار (10): 23-34.
- زادپور، ط (1372)، بررسی و مقایسه ویژگی‌های روانی-شخصیتی بزهکاران و افراد عادی در شهرست اصفهان. پایان نامه جهت اخذ کارشناسی روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشگاه اصفهان.
- زرگر، ف.، مرادی، ا.، ایمانی، س (1387)، مقایسه ویژگی‌های شخصیتی زنان و دختران فراری و عادی در شهر اصفهان. اندیشه و رفتار، 3(10): 47-58.
- سعیدی، م (1373)، بررسی علل فرار نوجوانان از خانه. پایان نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- صمدیراد (1381)، بررسی عوامل اجتماعی و خانوادگی مؤثر بر فرار دختران. خلاصه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، 16.
- صوفی، ج (1374)، مقایسه نیمرخ روانی دختران بی‌سرپرست در مراکز بازپروری بهزیستی تهران با دختران تحت سرپرستی والدین با آزمون MMPI. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.
- قلی‌زاده، آ. و نادى، م (1382)، ویژگی‌های جمعیت شناختی دختران فراری بزه دیده و علل فرار آنها از خانه در شهر اصفهان. مجموعه مقالات اولین همایش تبیین علمی بزه دیدگان و راهکارهای پیشگیرانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

- قلی‌زاده، ز.، بخشی‌پور، ع.، باباپورخیرالدین، ج (1388)، بررسی عوامل شخصیتی، محیطی و سبک حل مساله موثر بر فرار دختران از منزل. پژوهش‌های نوین روان-شناختی، 4(13): 139-159.
- عبداللهی مجارشین، ر (1385)، رابطه سیستم بازداری و فعال‌سازی رفتاری با سوگیری حافظه ناآشکار در افراد افسرده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز.
- معظمی‌گودرزی، ب (1380)، بررسی تاثیر آموزش تنش‌زدایی تدریجی و مهارت‌های حل مساله بر میزان تنیدگی و شیوه‌های مواجهه دختران فراری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- وزیری، ش.، لطفی کاشانی، ف (1390)، انگیزش‌گریز: آسیب‌شناسی فرار از خانه. فصل‌نامه پژوهش اجتماعی، 4(3): 85-96.

- ArjomandKermani, R., Rajabzadeh, A. (2011), Survey of the Facts That Affect Home Runway of Female Students in Tehran City. Middle-East Journal of Scientific Research, 7(4), 521-529
- Berliner, L., & Elliot, D. (2002), Sextual abuse of children: The APSAC handbook on child maltreatment (2nd edpp 55-78) thousand oars, CA: Sage.
- Bervin, C.R., Andrews, B., & Valentine, J. D. (2000), Meta analysis of risk factors for posttrumatic stress disorder in trauma – exposed adults. Journal of Consulting and Clinical Psychology, 68, 748-766.
- Brosan L, Hoppitt L, ShelferL, Sillence A, Mackintosh B. (2011), Cognitive bias modification for attention and interpretation reduces trait and state anxiety in girls that Run away from home. J BehavExp Psychiant; 42: 258-64.
- Carver, C. S., & White, T. L. (1994), Behavioral inhibition, behavioral activation, and affective responses to impending reward and punishment: The BIS/BAS Scales. Journal of Personality and Social Psychology, 67, 319–333.

-
-
- Carver CS(2006), Approach, avoidance, and the selfregulation of affect and action. *Motive Emotion.*, (30): 105-110.
 - Corr, P. J. (2004), Reinforcement sensitivity theory and personality. *Personality Individual Difference.* 28(1): 317-32.
 - Conner, M. G. (2001), Understanding and Preventing Teenage Runaways. Retrieved from: <http://WWW.crisiscounseling.com>.
 - Danielle CV, James PD, Kurt HB, Jason WA, Pradeep S, Michael TS (2009), Carver and Whites(1994) BIS/BAS scales and their relationship to risky health behaviors. *Per IndivDiffer*; (47): 89-93.
 - Davidson R J(1992), Emotion and affective style: Hemispheric substrates. *Psychol Sci.* 1992; (3): 39-43.
 - De Man, A. F. (2000), Predictors of adolescent running away behavior. *Social Behavior and Personality*, 28, 261-268.
 - Dilworth, K. (2000), Literature Review (Teenage Pregnancy). Retrieved from: http://www.phac-aspc.gc.ca/dca_dea/publications/reduce_teen_pregnancy_section_2_e.html.
 - Eitle, D. (2005), The moderating effects of peer substance use on the family structure-adolescent substance use association: Quantity versus quality of parenting; *Addictive Behaviors*, 30, 963-980.
 - Farrow, J. A., Deisher, R.W., Brown, R., Kulig, J. W., Kipke, M. D.(1992), Health and health needs of homeless and runaway youth: A positionpaper of the Society for Adolescent Medicine. *Journal of AdolescentHealth*, 13(8), 717-726.
 - FowlesDC (1994), A motivational theory of psychopathology. In W.D. Spaulding (Ed), *integrative views of motivation, cognition, and emotion: Nebraska symposium on motivation*. Lincoln, NE: University of Nebraska Press, 181-238.
 - Gray JA (1990), Brain systems that mediate both emotion and cognition. *Cogn Emotion.* (4): 269-288

-
-
- Gennadij G, KnyazevG(2004), Behavioural activation as predictor of substance use: mediating and moderating role of attitudes and social relationships. *Drug Alcohol Depen.* , (75):309-321.
 - Greenwald, H. (1975), *The elegant prostitute*. New York: Walker and Co.
 - Groleger, U., Tomori, M., &Kocmur, M. (2003), Suicidal ideation in adolescent an indicator of actual risk. *Israel Journal of Psychiatry and Related Sciences*, 40, 202-208.
 - Jamison, R. (2003), *Runaway Juvenile Crime? The context of juvenile crime arrests*. Retrieved from: <http://www.cjcj.org/pubs/runaway.html>.
 - Kalnin AJ, Edwards CR, Willia YW.(2011), The interacting role of violence exposure and aggressive-disruptive behavior in adolescent that run away from home. *J Psychiat Res: Neur*; 192:12-9
 - Koivumaa-Honkanen, H., Honkanen, R., Viinamaki, Heikkila, K., Kaprio, J., &Koskenvuo, M. (2001), Life satisfaction and suicide: A-20year follow-up study. *American Jornal of Psychiatry*, 158(3), 433-439.
 - Lewis, M. (1991), *Child and adolescent psychology: A comprehensive textbook*, London: Kowkab.
 - Looise KL, Israel C.(2008), Perceived anxiety control as a mediator of the relationship between family tability and run away. *J AnxDisord* ;22:1454-61.
 - Manly, J.T. , Kim, J.E , Rogosch, F. A., &Cicchetti, D . (2002), Dimensions of child maltreatment and childrens adjustment: Dvelopmental and Psychopathology, 13,759-782.
 - McEvoy PM, Mahoney EJ(2011), Achieving certainty about the structure of treatmentseeking sample with anxiety and depression in girl run away from home. *J AnxDisord* ;25:112-22.

-
-
- Melinda F. Cannon, Carl F.(2010), Weems Cognitive biases in girls with run away from home Do interpretive and judgment biases distinguish run away youth from their nonrunaway? *J AnxDisord* .24:751-8.
 - Paradise, M., Cauce, A.M. (2002), Home Street Home: The Interpersonal Dimensions of Adolescent Homelessness, *Analyses of Social Issues and Public Policy*, 1, 223-238.
 - Parker, J. S., & Benson, M. J. (2004), Parent-adolescent relations and adolescent functioning: Self-esteem, substance abuse, and delinquency. *Adolescence*. Roslyn Heights: Fall, Vol. 39, Iss. 155; pg. 519, 12 pgs
 - Ribberi L, Hoppitt L, Shelfer L, Sillence A.(2008), Aggressive: a survey of attitudes, opinions and behaviors. *J SafRes*; 39:375- 81.
 - Robinson, D.L,(1998),Sex differences in brain activity,personality and intelligence; A test of arousability theory .*personality and individual differences*. 25.1133-1152.
 - Rozental K, Boos A, Dalbert C, Schöps D, Hoyer J(2006), Posttraumatic symptoms, depression, and anxiety of girls victims. *J Gen Hos Psychiatry* ;40:1075-84.
 - Rosenthal, D., Mallett, S., & Myers, P. (2006), Why do homeless youngpeople leave home? Australian and New Zealand, *Journal of PublicHealth*, 30, 281-185.
 - Sahin, N., Timor, S., &Ergin, A. (2010), Childhood trauma, type of marriage and self-esteem as correlates of domestic violence in married women in Turkey. *Journal of Family Violence*, 7(25), 661-668.
 - Schultz, DP (1990), *Theories of Personality*. 4th end. New York, Macmillan, 44-99.

-
- Sherman SS, Plitt S, Hassan S, Cheng Y, Zafar ST.(2005), Drug use, street survival, and risk behaviors among run away children in Lahore, Pakistan. *J Health: Bull Am AcadMed*; 82:113-24.
 - Simons, L. G., Simons, R. L., & Conger, R. D. (2004), identifying the mechanisms whereby family religiosity influences the probability of adolescent antisocial behavior. *Journal of Comparative Family Studies*.Vol. 35, Iss. 4; pg. 547, 17 pgs
 - Slobodskaya, H. R., Safronova, M. V., Knyazev, G. G. & Wilson, D. (2001), Development of a shortform of the Gray-Wilson personality questionnaire. Research institute of physiology Russia and institute of psychiatry university of London.
 - Steinberg, L. (2002), *The juvenile psychopath: Fads, fiction, and facts*.1
 - Stephan, Z., Levine & Chirs, J. (2004), Eysenck theory of crime revisited: Factors of primary scales? *British Psychological Society*, 9, 135-152.
 - Sullivan, P. M., & Knutson, J. F. (2000), The prevalence of disabilities & maltreatment among runaway children. *Child Abuse & Neglect*, 24, 1275-1288.
 - Van der Linden D, Taris TW, Beckers DJG, Kindt KB(2007), Reinforcement sensitivity theory and occupational health: BIS and BAS on the job. *J PersIndividDif*; 42(6):1127- 38.
 - Warren, J. I., Burnette, M., South, S. C., Chaauban, P., & Friend, R. (2002), *The relationship between narcissistic and anatisocial personalities*. Saint Bonaventure University.